شهرت و سابقه، دیگر برای حفظ جایگاه کافی نیست

کودتای جوان‌ها علیه ستاره‌ها

گزارش یک

حامد حسینی
خبرنگار

در فوتبال، هیچ جایگاهی ابدی نیست؛ حتی اگر صاحب آن سال‌ها در بالاترین سطح بازی کرده باشد، بارها پیراهن تیم ملی را پوشیده باشد یا در حساس‌ترین لحظات ناجی تیمش شده باشد. گذر زمان، تغییر نسل و ظهور استعدادهای تازه، قواعدی هستند که فوتبال را از ایستایی دور نگه می‌دارند. لیگ برتر ایران نیز در آستانه فصل بیست‌وششم با چنین واقعیتی روبه‌رو است؛ رقابتی که می‌تواند برای تعدادی از ستاره‌های باسابقه به آزمونی دشوار برای حفظ اعتبار گذشته تبدیل شود و برای گروهی دیگر، سکوی پرتابی به سوی جایگاه‌های بزرگ‌تر باشد.

نگاهی به وضعیت بازیکنان مطرح فوتبال ایران نشان می‌دهد که فاصله میان شهرت و تأثیرگذاری در زمین مسابقه، گاهی بیش از آن چیزی است که تصور می‌شود. برخی ستاره‌ها همچنان از اعتبار نام خود بهره می‌برند، در حالی که گروهی دیگر برای بازگشت به روزهای اوج تلاش دارند. در این میان، جوانانی هم حضور دارند که منتظر کوچک‌ترین فرصت هستند تا ثابت کنند فوتبال ایران برای ادامه حیات به چهره‌های تازه نیاز دارد. لیگ بیست‌وششم می‌تواند محل تلاقی این سه گروه باشد؛ فصلی برای بازتعریف جایگاه ستاره‌ها.

بازنده‌ها؛ وقتی زمان از نام‌ها جلو می‌زند

در میان بازیکنان باتجربه، احسان حاج‌صفی یکی از مهم‌ترین چهره‌هایی است که با چالش حفظ جایگاه خود مواجه خواهد بود. کاپیتان سابق تیم ملی و رکوردار بازی‌های ملی، کارنامه‌ای دارد که کمتر بازیکنی در فوتبال ایران می‌تواند به آن نزدیک شود. با این حال، اعتبار گذشته لزوماً تضمین‌کننده آینده نیست. حاج‌صفی در شرایطی قرار گرفته که باید بیش از گذشته توانایی‌های فنی و بدنی خود را به نمایش بگذارد. حضور در ترکیب اصلی تیمی مانند سپاهان، مستلزم رقابت با بازیکنانی است که از نظر سن و توان جسمانی شرایط متفاوتی دارند.

شجاع خلیل‌زاده نیز با واقعیتی مشابه روبه‌رو است. مدافعی که سال‌ها با جنگندگی، قدرت رهبری و تجربه خود یکی از چهره‌های قابل اتکای فوتبال ایران بوده، اکنون باید با نسل تازه مدافعان رقابت کند. سن بالا به خودی خود یک نقطه ضعف نیست، اما وقتی با افزایش سرعت فوتبال و تغییر انتظارات تاکتیکی همراه می‌شود، حفظ جایگاه دشوارتر خواهد شد. شجاع همچنان می‌تواند مهره‌ای مؤثر باشد، ولی ادامه حضور در سطح اول به مدیریت آمادگی جسمانی و کاهش اشتباهات فردی وابستگی بیشتری پیدا کرده است.

رامین رضاییان هم در موقعیتی قرار دارد که نمی‌تواند صرفاً به کیفیت هجومی و تجربه خود تکیه کند. او یکی از مدافعان کناری با قابلیت‌های فنی ویژه در فوتبال ایران است، اما رقابت با بازیکنان جوان‌تر و نیاز فوتبال امروز به مدافعانی با توان رفت‌وبرگشت بالا، شرایط را برایش پیچیده کرده است. رضاییان برای حفظ جایگاه خود باید نشان دهد که همچنان می‌تواند در هر دو فاز دفاعی و هجومی تأثیرگذار باشد.

برنده‌ها؛ فرصت دوباره برای بازگشت

در سوی دیگر، تعدادی از بازیکنان مطرح فوتبال ایران می‌توانند از شرایط جدید بیشترین بهره را ببرند. علیرضا بیرانوند یکی از آنهاست. دروازه‌بانی که تجربه حضور در جام جهانی و جام ملت‌های آسیا را دارد، به دلیل ویژگی‌های تخصصی پست خود، می‌تواند سال‌های بیشتری در سطح اول فوتبال باقی بماند. برای بیرانوند، لیگ بیست‌وششم فرصتی است تا با نمایش‌های مطمئن، بار دیگر جایگاه خود را در میان بهترین دروازه‌بانان فوتبال ایران تثبیت کند.

محمدحسین کنعانی‌زادگان نیز می‌تواند یکی از برندگان فصل باشد. مصدومیت‌ها در مقاطعی مانع از استمرار حضور او در ترکیب شده‌اند، اما توانایی‌های فنی و تجربه بین‌المللی همچنان از او مدافعی ارزشمند ساخته است. اگر بتواند از نظر جسمانی به شرایط مطلوب برسد، ظرفیت بازگشت به جمع مدافعان تأثیرگذار را دارد.

در خط میانی و حمله نیز مهدی ترابی و علی قلی‌زاده از بازیکنانی هستند که می‌توانند بار دیگر به مرکز توجه بازگردند. ترابی با قدرت خلق موقعیت و توانایی بازی در فضاهای محدود، همچنان یکی از مهره‌های خلاق فوتبال ایران است. قلی‌زاده نیز با تکنیک فردی و قابلیت بازی در کناره‌ها می‌تواند در صورت رسیدن به آمادگی کامل، تفاوت‌های مهمی در ساختار هجومی تیمش ایجاد کند. مجید حسینی هم با تکیه بر تجربه بازی در فوتبال خارج از کشور، می‌تواند به یکی از مهره‌های قابل اتکای خط دفاع تبدیل شود.

ستاره‌هایی که هنوز متولد نشده‌اند

با وجود تمام این نام‌ها، شاید مهم‌ترین اتفاق لیگ بیست‌وششم نه در بازگشت ستاره‌های قدیمی، بلکه در فرصت‌هایی رقم بخورد که در اختیار نسل تازه قرار می‌گیرد. سال‌هاست یکی از انتقادهای جدی به فوتبال باشگاهی ایران، اتکای بیش از اندازه برخی تیم‌ها به بازیکنان باتجربه و محدود بودن فرصت حضور جوانان در ترکیب اصلی است.

این رویکرد نه‌تنها مسیر پیشرفت استعدادها را دشوار کرده، بلکه در مقاطعی به کاهش قدرت بازتولید بازیکن برای تیم ملی نیز انجامیده است. حالا لیگ بیست‌وششم می‌تواند فرصتی برای تغییر این روند باشد. جوانانی که در فصل‌های گذشته پشت نام‌های بزرگ قرار گرفته‌اند، می‌توانند با استفاده از فرصت‌های تازه، خود را به ترکیب اصلی تحمیل کنند.

البته جوان‌گرایی نباید به تصمیمی شتاب‌زده و صرفاً مبتنی بر سن تبدیل شود. بازیکن جوان زمانی شایسته حضور در ترکیب است که کیفیت، آمادگی و بلوغ تاکتیکی لازم را نشان دهد. باشگاه‌ها نیز باید به جای استفاده مقطعی از استعدادها، برای رشد تدریجی آنها برنامه داشته باشند.

لیگ بیست‌وششم بیش از آنکه صرفاً رقابتی برای کسب جام باشد، می‌تواند آزمونی برای آینده فوتبال ایران باشد؛ آزمونی که در آن، ستاره‌های باسابقه باید از اعتبار خود دفاع کنند، بازیکنان بازگشته از مصدومیت فرصت احیای جایگاهشان را به دست آورند و جوانان برای تصاحب صندلی بزرگان تلاش کنند. برنده این فصل لزوماً مشهورترین بازیکن نخواهد بود؛ بلکه کسی است که بتواند فاصله میان فرصت و توانایی را به حداقل برساند.



بازگشت ستاره گمشده طلایی پوشان پس از دو فصل

نورافکن؛ روشن‌تر از همیشه

بازگشت امید نورافکن به روزهای اوج، بیش از آنکه حاصل تغییرات فردی باشد، نتیجه بازتعریف نقش او در ساختار تاکتیکی سپاهان است. محرم نویدکیا با انتقال نورافکن به مرکز زمین و استفاده از او در کنار عارف حاجی عیدی، امکان بهره‌برداری از مهم‌ترین ویژگی‌های فنی این بازیکن را فراهم کرده است؛ توانایی حمل توپ، قدرت شوت‌زنی از پشت محوطه، حضور مؤثر در یک‌سوم هجومی و اضافه شدن به محوطه جریمه در زمان مناسب.

نورافکن در این آرایش، صرفاً یک هافبک دفاعی با وظایف تخریبی نیست. او بازیکنی است که می‌تواند با تغییر ریتم بازی، انتقال سریع توپ از دفاع به حمله و حضور در فضاهای خالی بین خطوط، به جریان هجومی تیم جان تازه‌ای ببخشد. جابه‌جایی محمدمهدی لطفی به سمت راست و استقرار آرش رضاوند در پست شماره ۱۰ نیز به آزادتر شدن نورافکن کمک کرده تا بدون گرفتار شدن در محدودیت‌های یک پست کاملاً تدافعی، از قابلیت‌های هجومی خود استفاده کند.

نکته مهم در عملکرد اخیر او، کیفیت تصمیم‌گیری در لحظات حساس است. گلزنی مقابل خیبر روی توپ برگشتی، نمونه‌ای از هوشیاری و زمان‌بندی مناسب او در ورود به محوطه جریمه بود. چهار پاس گل و دو گل ثبت‌شده در فصل جاری نیز نشان می‌دهد نورافکن بار دیگر به مهره‌ای چندبعدی تبدیل شده است؛ بازیکنی که هم در فاز دفاعی به تیم تعادل می‌دهد و هم در حمله می‌تواند نتیجه مسابقه را تغییر دهد. البته حفظ این کیفیت در طول فصل، به مدیریت فشار بازی‌ها و هماهنگی او با سایر هافبک‌ها وابسته است. سپاهان حالا دوباره نورافکنی را در اختیار دارد که می‌تواند فراتر از یک بازیکن مکمل، یکی از موتورهای اصلی تیم باشد.

فرصت طلایی برای سنگربان ۲۷ ساله پرشورها

جعفری دروازه تراکتور را فتح می‌کند

پارسا جعفری در شرایطی غیرمنتظره به دروازه‌بان شماره یک تراکتور تبدیل شد که شاید در ابتدای فصل کمتر کسی تصور می‌کرد چنین زودهنگام فرصت جانشینی علیرضا بیرانوند را پیدا کند. سنگربان ۲۷ ساله تبریزی‌ها در پنج مسابقه‌ای که به میدان رفته، نشانه‌های امیدوارکننده‌ای از توانایی‌های خود به نمایش گذاشته و با چند واکنش تأثیرگذار، ثابت کرده است که برای حضور در ترکیب اصلی آمادگی نسبی دارد. نکته مهم درباره عملکرد او، کیفیت مهارهایش مقابل مهاجمان تیم‌های آسیایی است؛ رقبایی که از نظر تکنیکی و قدرت شوت‌زنی در سطح بالایی قرار دارند.

البته ارزیابی عملکرد جعفری نباید تنها بر مبنای تعداد گل‌های دریافتی صورت بگیرد. او در برخی صحنه‌ها قربانی کیفیت ضربات حریفان شده و در مواردی نیز اشتباهات خط دفاعی، شرایط دشواری برایش رقم زده است. گل تماشایی وویووچ مقابل نفتچی نمونه‌ای از همین موقعیت‌ها بود؛ هرچند نمی‌توان نقش دروازه‌بان را در تمام صحنه‌ها نادیده گرفت. مهم‌تر از این اتفاقات، توانایی جعفری در حفظ تمرکز، مدیریت محوطه جریمه و ایجاد هماهنگی با خط دفاعی است؛ مؤلفه‌هایی که برای تبدیل شدن به یک شماره یک قابل اعتماد ضرورت دارند. تراکتور تا نیم‌فصل فرصت چندانی برای تغییر در این پست ندارد و همین موضوع، فرصت و مسئولیت بزرگی را پیش روی جعفری قرار داده است. او باید در مسابقات آینده ثبات بیشتری نشان دهد و ثابت کند توانایی عبور از فشار جانشینی بیرانوند را دارد. اگر این دروازه‌بان بتواند نوسان‌های احتمالی ابتدای مسیر را پشت‌سر بگذارد، شاید اتفاقی که در ابتدا یک جایگزینی اضطراری به نظر می‌رسید، به نقطه عطف دوران حرفه‌ای او تبدیل شود.

محرومیت هافبک پرتغالی سپاهان تا ۲۳ آذر ادامه دارد

۴۰ روز تا بازگشت ریکاردو آلوز

ریکاردو آلوز همچنان یکی از غایبان خبرساز سپاهان است؛ بازیکنی که انتقال جنجالی‌اش از تراکتور به جمع طلایی‌پوشان اصفهانی، قرار بود فصل تازه‌ای را در دوران فوتبالش رقم بزند، اما محرومیت انضباطی مانع از آن شده تا هواداران سپاهان نمایش این هافبک پرتغالی را با پیراهن تیم جدیدش تماشا کنند. آلوز که با امید بازگشت به میادین پس از پایان فیفادی مهرماه روزشماری می‌کرد، برخلاف پیش‌بینی اولیه همچنان باید دور از مسابقات بماند.

طبق محاسبات فدراسیون فوتبال، مبنای آغاز محرومیت این بازیکن، روز شروع فصل جدید لیگ برتر در نظر گرفته شده است. رقابت‌ها از ۲۳ مرداد آغاز شد و بر همین اساس، محرومیت آلوز تا ۲۳ آذرماه ادامه خواهد داشت؛ به این ترتیب، هافبک پرتغالی سپاهان هنوز ۴۰ روز دیگر با بازگشت به مسابقات فاصله دارد. این مدت انتظار، فرصت حضور در ترکیب تیمی را که برای آن انتخاب کرده، از او گرفته و شرایط متفاوتی را برای شروع همکاری‌اش با سپاهان رقم زده است.

آلوز در روزهای اخیر با انتشار مطالبی در صفحه شخصی خود در اینستاگرام، توجه هواداران فوتبال را به خود جلب کرده است. تازه‌ترین استوری او تصویری از حضورش در تمرینات سپاهان بود که با جمله‌ای معنادار همراه شد: «می‌دانم خوشبختی‌ام کجاست و دیر یا زود، به جایی خواهم رسید که می‌خواهم در آن باشم.» پیامی که می‌تواند بازتابی از شرایط فعلی او و انتظار برای بازگشت به فوتبال باشد.

حالا نگاه‌ها به ۲۳ آذر دوخته شده است؛ تاریخی که در صورت پایان محرومیت، می‌تواند نقطه آغاز واقعی حضور آلوز در سپاهان باشد. این هافبک پرتغالی پس از حواشی جدایی از تراکتور و انتقال به اصفهان، فرصت چندانی برای معرفی خود به هواداران تیم جدیدش نداشته و امیدوار است با پایان این دوره، بار دیگر توانایی‌های فنی‌اش را در زمین مسابقه به نمایش بگذارد. سپاهان نیز برای بهره‌مندی از تجربه و کیفیت فنی این بازیکن، باید چند هفته دیگر منتظر بماند.





جمعه ۱۶:۳۰ سردار آزادگان – شمس‌آذر – صنعت نفت

جدال قعرنشین‌ها

جایگاه دوتیم در انتهای جدول به‌خوبی اهمیت و حساسیت این مسابقه را نشان می‌دهد. صنعت نفت آبادان با هدایت سیروس پورموسوی به روزهای آینده امیدوار شده و حالا حتی یک امتیاز از این بازی خارج از خانه هم می‌تواند برای زردپوشان آبادانی ارزشمند باشد. آنها می‌دانند که نباختن مقابل یکی از رقبای مستقیم، گامی مهم در مسیر بقا خواهد بود. در سوی مقابل، شمس‌آذر شرایط متفاوتی دارد. وحید رضایی که در هفته‌های اخیر فشار هواداران را احساس کرده، برای بازگشت آرامش به تیمش چاره‌ای جز کسب سه امتیاز ندارد. شمس‌آذر در خانه بازی می‌کند و طبیعتاً نمی‌تواند فرصت امتیازگیری از یک رقیب مستقیم را از دست بدهد. رضایی برای رسیدن به این هدف باید از تمام ظرفیت فنی و تجربی تیمش بهره ببرد. نتیجه این مسابقه می‌تواند سرنوشت هر دو تیم را در هفته‌های آینده تحت تأثیر قرار دهد.



جمعه ۱۵:۳۰ نقش جهان – سپاهان – ملوان

بازگشت مازیار در سخت‌ترین بازی

سپاهان با محرم نویدکیا در هفته‌های اخیر نتایج درخشانی گرفته و حالا تنها به دلیل تفاضل گل کمتر نسبت به پرسپولیس، در رتبه دوم جدول قرار دارد. طلایی‌پوشان اصفهانی برای ادامه رقابت با صدرنشین، به دنبال حفظ روند پیروزی‌های خود هستند و مسابقه خانگی مقابل ملوان فرصت مناسبی برای نزدیک‌تر شدن به صدر جدول محسوب می‌شود. در سوی دیگر، ملوان روزهای دشواری را پشت سر می‌گذارد. این تیم از چهار مسابقه اخیر خود تنها دو امتیاز کسب کرده و شکست خانگی هفته گذشته مقابل چادرملو، شرایط را برای مازیار زارع دشوارتر کرده است. سرمربی ملوان پس از آن شکست استعفا داد، اما مدیران باشگاه با کناره‌گیری او موافقت نکردند تا زارع دوباره به نیمکت تیمش بازگردد. شاید بازگشت سرمربی شوک مثبتی برای انزلی‌چی‌ها باشد، اما گرفتن امتیاز از سپاهان در نقش جهان مأموریتی بسیار دشوار خواهد بود.



جمعه ۱۵:۳۰ امام خمینی(ره) – آلومینیوم – مس شهربابک

پیروز محکوم به پیروزی

مس شهربابک در شرایطی به مصاف آلومینیوم اراک می‌رود که هم در انتهای جدول قرار دارد و هم هنوز تکلیف نیمکت خود را مشخص نکرده است. پس از کنار گذاشتن قاسم شهبا، مدیران باشگاه با چند گزینه وارد مذاکره شدند، اما هیچ‌کدام از مذاکرات به نتیجه نرسید تا این تیم همچنان در بلاتکلیفی باقی بماند. حتی اگر سرمربی جدید تا پیش از مسابقه انتخاب شود، فرصت چندانی برای انتقال تفکراتش به بازیکنان نخواهد داشت. در طرف مقابل، پیروز قربانی هم روزهای چندان خوبی را سپری نمی‌کند. آلومینیوم در شش مسابقه اخیر خود تنها سه تساوی به دست آورده و از شرایط مطلوب ابتدای فصل فاصله گرفته است. حالا قربانی مقابل تیمی قرار دارد که از نظر فنی و شرایط مدیریتی وضعیت مناسبی ندارد. این مسابقه برای سرمربی آلومینیوم فرصتی جدی است تا تیمش را به مسیر موفقیت بازگرداند و با کسب سه امتیاز، از فشار نتایج اخیر فاصله بگیرد.



جمعه ۱۷:۳۰ شهید نصیری – چادرملو – فولاد خوزستان

بازی بدون علیدوستی

فوتبال ایران روزهای تلخی را با فقدان دو چهره بزرگ خود پشت سر گذاشته و در این میان، غیبت حمید علیدوستی برای خانواده چادرملو سنگین‌تر از بسیاری دیگر خواهد بود. اوطی دو فصل گذشته به‌عنوان مدیرفنی در کنار سعید اخباری و مجموعه چادرملو حضور داشت و نقش مهمی در همراهی این تیم ایفا می‌کرد. حالا بازیکنان چادرملو باید در مسابقه‌ای حساس به میدان بروند که جای خالی این چهره تأثیرگذار در کنارشان احساس خواهد شد. در سوی مقابل، فولاد خوزستان با دو پیروزی ارزشمند برابر پرسپولیس و آلومینیوم اراک، روزهای درخشانی را تجربه می‌کند. حمید مطهری امیدوار است روند موفقیت تیمش را ادامه دهد و با کسب سه امتیاز، فولاد را به جمع مدعیان نزدیک‌تر کند. اخباری هم به‌خوبی می‌داند پیروزی در این مسابقه تا چه اندازه می‌تواند فاصله چادرملو با بالانشینان جدول را کاهش دهد. تقابل دو تیم، مسابقه‌ای حساس با انگیزه‌های متفاوت خواهد بود.

سوژه

بازگشت چراغ خاموش سرمربی پس از یک استعفای جنجالی

زارع در اندیشه خلع سلاح نویدکیا

مازیار زارع دوباره به تمرینات ملوان برگشته است؛ بازگشتی که اگرچه از نظر فنی می‌تواند خبر امیدوارکننده‌ای برای هواداران انزلی‌چی باشد، اما نحوه رقم خوردن آن پرسش‌هایی را درباره شرایط مدیریتی و فضای حاکم بر این باشگاه مطرح می‌کند. سرمربی ملوان پس از شکست خانگی مقابل چادرملو تصمیم به کناره‌گیری گرفت، اما مدیران باشگاه با استعفای او موافقت نکردند تا زارع بدون آنکه ماجرای جدایی‌اش به یک تغییر رسمی روی نیمکت منجر شود، بار دیگر کارش را از سر بگیرد.

اتفاقی که در ظاهر پایان یک اختلاف کوتاه‌مدت به نظر می‌رسد، اما نمی‌توان به سادگی از کنار پیامدهای آن عبور کرد. استعفای یک سرمربی، آن هم پس از شکست در خانه، معمولا نشانه‌ای از نارضایتی یا وجود فشارهایی است که باید درباره ریشه‌های آن شفاف‌سازی شود. بازگشت دوباره به تمرینات نیز به‌تنهایی به معنای برطرف شدن تمام این مسائل نیست. هواداران ملوان حق دارند بدانند در فاصله استعفا تا بازگشت، چه اتفاقی افتاده و آیا شرایطی که به تصمیم زارع منجر شد، تغییر کرده است یا صرفاً با مخالفت مدیران، پرونده این استعفا موقتاً بسته شده است.

زارع در شرایطی دوباره هدایت ملوان را در دست گرفته که تیمش باید در یکی از دشوارترین مسابقات پیش رو به مصاف سپاهان برود. دیداری که برای ملوان تنها یک مسابقه معمولی نیست و می‌تواند در ترمیم فضای روانی تیم پس از شکست مقابل چادرملو نقش مهمی داشته باشد. سپاهان حریفی است که کوچک‌ترین لغزش مقابل آن می‌تواند هزینه‌ساز شود و ملوان برای عبور از این آزمون، بیش از هر چیز به تمرکز، انسجام و آرامش درون تیمی نیاز دارد.

البته بازگشت زارع می‌تواند به بازیکنان پیام ثبات بدهد، اما ثبات واقعی صرفاً با حضور دوباره سرمربی در تمرینات شکل نمی‌گیرد. مدیریت باشگاه نیز باید در کنار کادر فنی مسئولیت خود را در ایجاد فضایی آرام و شفاف بپذیرد. ملوان در آستانه بازی با سپاهان به حاشیه تازه نیاز ندارد؛ با این حال، نمی‌توان انتظار داشت پرسش‌های بی‌پاسخ درباره استعفای سرمربی نیز برای همیشه نادیده گرفته شوند. حالا باید دید این بازگشت بی‌سروصدا به آرامش واقعی منجر می‌شود یا تنها فرصتی کوتاه برای عبور از یک چالش مقطعی خواهد بود.

لیگ یک

جا به جایی درون خانوادگی کرمانی‌ها

شهبا به دنبال جبران ناکامی لیگ برتری



قاسم شهبا خیلی زودتر از آنچه پیش‌بینی می‌شد، هدایت تیمی تازه را برعهده گرفت. سرمربی باسابقه‌ای که فصل گذشته یکی از درخشان‌ترین دوره‌های مربیگری خود را با رساندن مس شهربابک به لیگ برتر سپری کرد، حالا با توافق مدیران مس کرمان روی نیمکت این تیم می‌نشیند؛ تیمی ریشه‌دار که شروع ناامیدکننده‌ای در فصل جدید لیگ یک داشته و در جمع تیم‌های پایین جدول گرفتار شده است. شهبا جانشین فرزاد حسین‌خانی می‌شود؛ مربی‌ای که پس از هشت مسابقه، حاصل کارش چهار تساوی و چهار شکست بود. مس کرمان با کسب تنها چهار امتیاز در رتبه چهاردهم جدول قرار گرفته و شکست ۲ بر یک مقابل نفت و گاز گچساران در هفته هشتم، آخرین حضور حسین‌خانی روی نیمکت نارنجی‌پوشان را رقم زد. اکنون شهبا مأموریت دشواری برای تغییر شرایط تیمی دارد که با توجه به اعتبار و سابقه‌اش در فوتبال ایران، فاصله زیادی با جایگاه فعلی خود دارد.

سرمربی جدید مس کرمان فصل گذشته یکی از موفق‌ترین چهره‌های لیگ یک بود. او با ساختن تیمی منسجم در مس شهربابک، در ۳۲ مسابقه به ۱۸ پیروزی، ۱۰ تساوی و تنها چهار شکست رسید. شهربابک با کسب ۶۴ امتیاز و سه هفته پیش از پایان رقابت‌ها، صعود تاریخی خود به لیگ برتر را قطعی کرد تا برای اولین بار حضور در بالاترین سطح فوتبال ایران را تجربه کند.

البته حضور شهبا در لیگ برتر مطابق انتظار پیش نرفت. مس شهربابک در ۱۰ هفته ابتدایی رقابت‌ها با پنج تساوی و پنج شکست، تنها پنج امتیاز به دست آورد و در قعر جدول قرار گرفت. شکست‌های سنگین برابر پرسپولیس و سپاهان با نتایج ۳ بر صفر و ۴ بر صفر نیز فشارها را افزایش داد تا همکاری طرفین خیلی زود به پایان برسد.

حالا شهبا بار دیگر در خانواده مس قرار گرفته، اما این بار با مأموریتی متفاوت؛ بازگرداندن مس کرمان به مسیر پیروزی و دور کردن این تیم از منطقه خطر. باید دید او می‌تواند تجربه موفقش در شهربابک را در کرمان تکرار کند و نارنجی‌پوشان را از این شرایط دشوار خارج سازد یا خیر.